



جنبش‌های اجتماعی نوین: مطالعه موردی جنبش‌های زیست‌محیطی نو ظهور

پروانه عزیزی^۱

دکتر مسعود اخوان کاظمی^۲

دکتر محمد ابوالفتحی^۳

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۸/۵

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۷/۱

^۱. دانشجوی دکترای جامعه‌شناسی سیاسی دانشگاه رازی، parvaneh.azizi@yahoo.com.

^۲. دانشیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه رازی و نویسنده مسئول مقاله، mak392@yahoo.com.

^۳. استادیار گروه علوم سیاسی، دانشگاه رازی، mabolfathi@razi.ac.ir.

چکیده

جنبش‌های زیست محیطی نوظهور به منظور مقابله با تهدیدات ناشی از تخریب محیط زیست و حفاظت و حمایت از محیط زیست در اواخر دهه ۱۹۶۰ به وجود آمدند. نوشتار حاضر تلاش می‌کند تا به این پرسش پاسخ دهد که جنبش‌های زیست محیطی نوظهور چگونه در قالب جنبش‌های اجتماعی نوین قابل تحلیل هستند؟ و چه افزوده‌هایی بر جنبش‌های اجتماعی نوین داشته‌اند؟ بنابراین، مقاله با روش کیفی تفسیری، و بکارگیری شیوه مطالعات موردی، چرایی جنبش‌های زیست محیطی نوظهور را مورد بررسی قرار می‌دهد. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهند که جنبش‌های زیست محیطی نوظهور به منظور رویارویی با بحران‌های موجود، در ابتدا با افزایش آگاهی‌ها و مطالبات عمومی، زمینه را برای ایجاد سازمان‌ها و گروه‌های طرفدار محیط‌زیست فراهم نمودند و سپس با ورود به عرصه سیاست در دهه ۱۹۷۰، با استفاده از ابزارها و شیوه‌های نوین، به صورتی مسالمت‌آمیز به بیان خواسته‌ها و اعتراض‌های خود پرداخته‌اند تا از این طریق، ضمن وادار کردن حکومت‌ها به پاسخگویی، بتوانند در قالب گروه‌های ذینفوذ و احزاب سیاسی، در حوزه سیاست عمومی تأثیرگذار باشند. همچنین، در دهه ۱۹۸۰، زمینه برای حضور و نقش آفرینی سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی در عرصه جهانی فراهم شد و بدین طریق، نقش و اختیار دولت‌ها به عنوان تنها بازیگران اصلی در عرصه بین‌المللی، مورد تردید قرار گرفت. در نتیجه، حجم و گستره قدرت اجتماعی و تأثیرگذاری سیاسی جنبش‌های زیست محیطی نوظهور، باعث بازپروری و غنی‌سازی جنبش‌های نوین اجتماعی شده است؛ به گونه‌ای که امروزه می‌توان آنها را بعنوان نیروهای اجتماعی قدرتمند و بازیگرانی تأثیرگذار، در عرصه جامعه‌شناسی سیاسی مورد شناسایی و تحلیل قرار داد.

• واژگان کلیدی

جنبش‌های اجتماعی نوین، جنبش‌های زیست محیطی نوظهور، نیروهای اجتماعی، شیوه‌های اقدام، ماهیت سیاسی.

در اواخر قرن بیستم در اروپا و آمریکا مجموعه‌ای پویا از جنبش‌های اجتماعی به وجود آمد که در شکل، محتوا، پایه‌های اجتماعی و معنایی که برای مشارکت کنندگان داشتند با جنبش‌های پیشین متفاوت بود. از اینرو، این جنبش‌ها را که سرآغاز آن با جنبش‌های دانشجویی دهه ۱۹۶۰ فرانسه بود را جنبش‌های نوین اجتماعی نامیدند. جنبش‌های نوین اجتماعی، وضع موجود حاکم بر جهان را از زوایای مختلف زیر سؤال برده‌اند و با تکیه بر تکنولوژی‌های نوین ارتباطی در افکار عمومی جهان نفوذ کرده و آنها را به اعتراض علیه مسائل مختلف تحریک می‌کنند. همچنین جنبش‌های نوین اجتماعی با استفاده از ابزارهای نامتعارف از سیاست متعارف پارلمانی و انتخاباتی فاصله می‌گیرند و نیروی خود را از کنش مستقیم و تاکتیک‌های جدید کسب می‌کنند. امروزه، جنبش‌های نوین اجتماعی متعدد و متنوع هستند و اهداف مختلفی دارند با این وجود، مهمترین وجه اشتراکی که جنبش‌های نوین اجتماعی را به هم پیوند می‌دهد، اعتراض آنها نسبت به مسائل مختلفی است که به نحوی ریشه در مدرنیته و اقتصاد سرمایه‌داری دارد. از جمله مهمترین جنبش‌های اجتماعی نوین، می‌توان به جنبش‌های زیست محیطی نوظهور اشاره نمود.

جنبش‌های زیست محیطی نوظهور در واکنش به بحران‌ها و معضلات محیط زیست و به منظور حفاظت و حراست از زیست بوم بشری در اواخر دهه ۱۹۶۰ به وجود آمدند. از دیدگاه طرفداران این جنبش‌ها، چنانچه به صورت عملی برای حل معضلات و بحران‌های زیست محیطی چاره‌اندیشی نشود، جامعه بشری با فجایع عظیم و غیر قابل جبرانی مواجه می‌شود؛ به گونه‌ای که ادامه حیات بشر بر روی زمین، غیر ممکن می‌گردد. جنبش‌های مذکور بر ضرورت مشارکت مردم در حفاظت از محیط زیست تأکید می‌کنند. از طرف دیگر، وسعت و گستردگی بحران محیط زیست به گونه‌ای است که دولت‌ها به تنهایی قادر به حل و فصل بحران موجود نیستند؛ این موضوع، مشارکت مردم در قالب گروه‌های سازمان‌دهی شده زیست محیطی و نقش آفرینی و حضور آنها در عرصه اجتماع و سیاست در امر حفاظت از محیط زیست را ضروری و اجتناب ناپذیر می‌سازد. از اینرو تمرکز جنبش‌های زیست محیطی نوظهور در ابتدا بر افکار عمومی و جهت دهی و هدایت جامعه به سمت مسائل زیست محیطی است؛ تا با استفاده از قدرت افکار عمومی و بسیج و سازماندهی آنها بتوانند دولت‌ها را وادار به حل مسائل زیست محیطی نمایند. در مرحله بعد با بهره‌گیری از قدرت مردم و به پشتوانه افکار عمومی تلاش می‌کنند به طور مستقیم وارد عرصه سیاست و قدرت شوند در نتیجه

دولت‌ها را وادار به تصویب قوانینی در زمینه حفاظت از محیط زیست نمایند و از این طریق مانع تخریب محیط زیست توسط دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ شوند. و در تعامل میان دولت و قدرت سیاسی به عنوان یک نیروی اجتماعی قدرتمند و تأثیرگذار به ایفای نقش بپردازند. جنبش‌های زیست محیطی نوپدید به منظور دستیابی به اهداف مذکور، از ابزارها و شیوه‌های متعدد و متنوعی استفاده می‌کنند.

این مقاله در صدد پردازش جدید به جنبش‌های زیست محیطی نوظهور در قالب جنبش‌های اجتماعی نوین است و سؤال مقاله این است که جنبش‌های زیست محیطی چگونه در قالب جنبش‌های نوین قابل تحلیل هستند و پویایی جنبش‌های زیست محیطی چه افزوده‌هایی بر جنبش‌های اجتماعی نوین داشته است؟ فرضیه مقاله این است که جنبش‌های زیست محیطی با ایجاد گروه‌های متعدد و متنوعی و با استفاده از ابزارهای نوین ارتباطی و شیوه‌های جدید مانند نافرمانی مدنی، اقدامات سمبلیک و نمادین و اعتراضات خیابانی و تظاهرات مجازی و حضور مستقیم در عرصه سیاست و قدرت در تلاش هستند که از طرق مسالمت‌آمیز و غیر خشونت‌بار، مانع از تخریب بیشتر محیط زیست توسط انسان‌ها شوند و همچنین با ورود به عرصه سیاست و فعالیتهای سیاسی، به تأثیرگذاری بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیم‌گیرندگان سیاسی پرداخته و نوعی بازدارندگی در سیاست‌ها و برنامه‌های دولت‌ها در جهت حفاظت از محیط زیست ایجاد کنند.

۱- پیشینه پژوهش و روش تحقیق

جنبش‌های نوین اجتماعی از جمله مسائلی است که از زمان پیدایش آن تا کنون مورد توجه متفکران و اندیشمندان سیاسی بوده است و آثار متعدد و متنوعی در این زمینه ایجاد شده است از مهمترین این آثار می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

دوناتلا دلاپورتا و ماریو دیانی. (۱۳۸۴)، در کتابی تحت عنوان "مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی"، در نه فصل به بررسی مبناهای ساختاری جنبش‌های اجتماعی نوین، تغییرات ساختاری آنها، بعد سمبلیک اقدامات آنها و شیوه‌های سازماندهی آنها پرداخته‌اند. و همزمان انواع جنبش‌های اجتماعی نوین به ویژه جنبش‌های زیست محیطی را بر اساس سرفصل‌های ذکر شده مورد بررسی قرار داده‌اند.

ایوب میرکواسمی. (۱۳۸۸)، در مقاله‌ای تحت عنوان "ماهیت سیاسی جنبش‌های جدید اجتماعی"، به بررسی جنبش‌های اجتماعی جدید می‌پردازد. از نظر نویسنده جنبش‌های اجتماعی جدید از لحاظ ماهیت اجتماعی با یکدیگر تفاوت عمده‌ایی ندارند و از لحاظ سیاسی در جهت بازسازی و تقویت دموکراسی عمل می‌کنند از اینرو، تمام جنبش‌های اجتماعی جدید محافظه کار و مدافع وضع موجود هستند.

مهدی برات علی‌پور و محمد رضا امانی. (۱۳۹۶)، در مقاله‌ای تحت عنوان "کنش‌های هویتی در جنبش‌های اجتماعی جدید (مورد مطالعه؛ جنبش‌های اعتراضی در ایران و انگلیس)"، از دیدگاه نویسندگان مقاله، گسترش ارتباطات نوین باعث شده است که جنبش‌های اجتماعی جدید در غیاب دستاوردهای سیاسی ملموس، به راحتی به حوزه فرهنگی عمومی دسترسی پیدا کنند و از طریق جذب گسترده حامیان، سازمان‌دهی آنها و گسترش اعتراض‌های مدنی در زمینه سیاسی تأثیرگذار باشند. آنها برای تأیید ادعای خود جنبش‌های اعتراضی در ایران و انگلستان را مورد مطالعه قرار می‌دهند.

حسن ناصر خاکی و همکاران. (۱۳۹۸)، در مقاله "تحلیل جنبش‌های جهانی محیط زیست در راستای تأثیرگذاری ایران در تدبیر جهانی"، به بررسی زمینه‌هایی پرداخته‌اند که جنبش‌های زیست محیطی برای حضور ایران در عرصه تدبیر جهانی فراهم می‌کنند. نویسندگان بر اساس نظرات آلن تورن به مطالعه تطبیقی سه مؤلف هویت، هدف و رقیب در جنبش‌های زیست محیطی و انقلاب اسلامی پرداخته‌اند و به این نتیجه رسیده‌اند که امکان بهره‌گیری از جنبش‌های محیط زیستی برای حضور ایران در عرصه تدبیر جهانی وجود دارد. بدین منظور، ایران باید سیاست‌های جهانی خود را به گونه‌ای تنظیم کند که در سطح جهانی به عنوان کشوری که مدافع محیط زیست است، شناخته شود. با توجه به موضوع پژوهش روش کیفی تفسیری (مطالعه موردی)، برای این تحقیق انتخاب شده است. ابتدا اطلاعات لازم از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، اینترنت، مقالات، پژوهش‌ها و پایان‌نامه‌هایی که در دسترس بوده است، گردآوری شده است سپس اطلاعات به دست آمده مورد تفسیر قرار گرفته است.

۲- چارچوب مفهومی

جنبش‌های نوین اجتماعی

اصطلاح جنبش‌های نوین اجتماعی، برای توصیف جنبش‌هایی به کار برده می‌شود که از دهه ۱۹۶۰ در عرصه سیاسی و اجتماعی در غرب شکل گرفتند. از دیدگاه "دلپورتا و دیلانی"، جنبش‌های اجتماعی جدید، شبکه‌های غیر رسمی مبتنی بر اعتقادات مشترک و همبستگی محسوب می‌شوند که از طریق استفاده مداوم از اشکال گوناگون اعتراض، حول موضوعات منازعه‌آمیز بسیج می‌شوند. بر اساس تعریف مذکور، جنبش‌های اجتماعی شبکه تعامل میان بازیگران مختلفی است که بسته به مقتضیات متغییر ممکن است شامل سازمان‌های رسمی باشند یا نباشند. آنها پدیده‌های سیالی هستند که هیچ طبقه یا بخش اجتماعی نمی‌تواند، دسترسی به آنها را محدود کند؛ فراتر از مرزهای دولت واحد هستند و بیشتر شکل موضوعات جهانی و فراملی به خود می‌گیرند (دلپورتا & دیانی، ۱۳۸۴، ص. ۳۳-۴۷).

از دیدگاه "آلن تورن"، جنبش‌های اجتماعی کنش جمعی کنش‌گران در عالی‌ترین سطح طبقه کنش‌گران می‌باشند که بر سر کنترل اجتماعی تاریخمندی، یعنی کنترل جهت‌گیری‌های فرهنگی عمده که روابط محیطی یک جامعه را به صورت هنجارمند سازماندهی می‌کنند، به نبرد می‌پردازند. از نظر تورن، یک حرکت اجتماعی فراگیر، زمانی جنبش اجتماعی خوانده می‌شود که از سه ویژگی "هویت"، "مخالفت" و "عمومیت" برخوردار باشد (تورن، ۱۳۸۰، ص. ۱۷۰).

"ملوچی"^۱ جنبش‌های اجتماعی جدید را ذاتاً متکثر و دارای سطوح متفاوتی از کنش می‌داند که از بازیگران متفاوتی برخوردارند و دلایل متفاوتی برای مشارکت‌شان در کنش جمعی دارند. از دید او، جوامع پسا صنعتی قبل از هر چیز به نشانه‌ها توجه دارند؛ حتی تولید و توزیع کالاهای اقتصادی نیز به گونه‌ای سمبلیک با واسطه‌طرح، آگهی، تبلیغات، رسانه‌ها انجام می‌گیرند. در نتیجه، جنبش‌های اجتماعی جدید معطوف به دسترسی به اطلاعات و بحث بر سر منابع سمبلیک می‌باشند، آنها قبل از هر چیز، به مبارزه در حوزه فرهنگ توجه دارند. همچنین از دیدگاه ملوچی، جنبش‌های اجتماعی جدید، مبارزاتی بر سر هویت هستند؛ این مبارزات تلاشی است برای وادار کردن دیگران به پذیرش چیزهایی که خود اعضاء آنها را قبول دارند، آنها برای اثبات چیزی که دیگران نفی می‌کنند، مبارزه می‌نمایند (رهبری، ۱۳۹۳، ص. ۲۹۱-۲۹۳). جنبش حقوق مدنی، جنبش زنان، جنبش زیست محیطی، جنبش ضد نژاد پرستی، جنبش صلح و ضد هسته‌ای و جنبش حقوق مردم بومی از مهمترین جنبش‌های نوین اجتماعی هستند.

مهمترین ویژگی جنبش‌های اجتماعی جدید عبارتند از:

۱- این جنبش‌ها در سه دسته و یا سه سطح محلی، ملی و جهانی امکان ظهور می‌یابند (رهبری، ۱۳۹۳، ص. ۳۰۳).

۲- ترسیم مرزهای هویتی جدید: مکانیسم‌های باز تولید هویتی در جنبش‌های اجتماعی جدید از طریق ایجاد یک جو عقیدتی متفاوت و پیشنهاد راه‌حل‌های جایگزین حاصل می‌شوند. چنین فرآیندی، در نهایت منجر به ایجاد هویتی جدید می‌شود (باتامور، ۱۳۶۶، ص. ۵۶).

۳- ماهیت فرا طبقاتی: جنبش‌های اجتماعی جدید تمایل دارد که از ساختار طبقاتی فراتر روند. این جنبش‌ها، اغلب نارضایتی‌ها و عوامل بسیج‌کننده خود را حول محور

^۱. Melucci.

- موضوعات فرهنگی و نمادینی که با موضوعات هویتی سر و کار دارند، شکل می‌دهند؛ نه با نارضایتی‌های اقتصادی
- ۴- ابعاد فرهنگی و معنایی: از دیدگاه تورن، جنبش‌های اجتماعی جدید در درون روابط اجتماعی که ویژگی‌ها آنها، کنترل اجتماعی گرایش‌های فرهنگی توسط گروه‌های مسلط است، ایجاد می‌گردند (نش، ۱۳۹۳، ص. ۱۶۴).
- ۵- دستیابی به وسایل نوین ارتباطی: جنبش‌های نوین از طریق دستیابی به وسایل نوین ارتباطی مانند: اینترنت، ماهواره، پیامک و نفوذ در شبکه‌های اطلاع‌رسانی، قادر گشته‌اند به آسانی علاوه بر آنکه ابراز وجود و هویت نمایند، افکار عمومی را به راحتی مورد تأثیر و سازماندهی قرار دهند (تیلی، ۱۳۸۹، ص. ۲۵).
- ۶- کنش جمعی مبتنی بر تمایلات غیر ملی: جنبش‌های اجتماعی جدید، تحت تأثیر فرآیند جهانی شدن، بیش از پیش بین‌المللی شده‌اند و از چارچوب دولت-ملت خارج شده‌اند و توجه خود را به موضوعات بین‌المللی مانند محیط زیست، حقوق بشر، جنبش زنان، جنبش ضد نژاد پرستی، جنبش صلح و... سوق داده‌اند (عزیزخانی، ۱۳۹۰، ص. ۱۶۰-۱۶۱).
- ۷- تکثرگرایی جنبش‌های اجتماعی جدید: یکی از مهمترین ویژگی جنبش‌های اجتماعی-جدید، تکثر در عقاید و ارزش‌هاست، که در تقابل آشکار با جنبش طبقه کارگر است که به مارکسیم به عنوان یک ایدئولوژی وحدت بخش و تمامیت‌گرا برای عمل دسته جمعی تکیه می‌کند (لارنا & دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۲۰).
- ۸- استفاده از نمادها: این جنبش‌ها از شیوه‌های مختلفی برای هویت بخشی به خود و جلب توجه استفاده می‌کنند (رهبری، ۱۳۹۳، ص. ۳۰۶).
- ۹- برداشت جدید از دموکراسی: جنبش‌های اجتماعی جدید سمت و سوی تلاش‌هایشان را از خود سیاست به فراسیاست تغییر داده‌اند. در برداشت جنبش‌های اجتماعی از دموکراسی، خود مردم باید مسئولیت دخالت در فرآیند تصمیم‌گیری سیاسی را قبول کنند (رهبری، ۱۳۹۳، ص. ۲۹۶).
- ۱۰- اشکال جدید و غیرمتعارف عمل: از عمده‌ترین تفاوت‌های جنبش‌های اجتماعی جدید با فعالیت‌های بازیگران سیاسی دیگر، تفاوت در شیوه مشارکت آنهاست؛ یعنی بازیگران دیگر به رفتارهای متعارف مانند رأی دهی یا اعمال نفوذ می‌پردازند اما طرفداران جنبش‌های اجتماعی جدید، از اشکال و شیوه‌های جدید و غیر متعارف مشارکت

سیاسی مانند الگوی بسیج مبتنی بر عدم خشونت و نافرمانی مدنی تأکید دارند (لارنا & دیگران، ۱۳۸۷، ص. ۲۲).

جنبش‌های زیست محیطی

یکی از مهمترین و تأثیرگذارترین جنبش‌های اجتماعی نوین در عصر حاضر، جنبش‌های زیست محیطی است. این جنبش‌ها از نیمه دوم قرن نوزدهم هم زمان با صنعتی شدن جوامع، آلودگی هوا و تخریب محیط زیست به وجود آمدند و تاکنون نیز ادامه دارند. و با افزایش روند تخریب محیط زیست بر قدرت و نفوذ آنها در عرصه سیاست و اجتماع افزوده شده است. جنبش‌های زیست محیطی را می‌توان به دو بخش جنبش‌های زیست محیطی کلاسیک و جنبش‌های زیست محیطی نوپدید تقسیم نمود.

الف) جنبش‌های زیست محیطی کلاسیک: در اواسط قرن نوزدهم، همزمان با صنعتی شدن جوامع غربی، رشد بی سابقه شهرنشینی، افزایش آلودگی‌ها و حجم زباله‌های شیمیایی تصفیه نشده در مراکز صنعتی باعث شکل‌گیری جنبش‌های زیست محیطی کلاسیک شد. جنبش‌های زیست محیطی کلاسیک در قالب کمپین‌ها، انجمن‌ها و گروه‌های اجتماعی متشکل از طبقات بالای جامعه و طبقات متوسط شهری ایجاد شدند. آنها تلاش کردند تا از طریق لابی‌گری و اعمال فشارهای سیاسی بر دولت، سیاستمداران را وادار به تصویب قوانینی در زمینه حفاظت از محیط زیست نمایند. تحت فشارهای محیط زیست‌گرایان کلاسیک اولین قوانین در زمینه حفاظت از محیط زیست تحت عنوان Alkali Acts در سال ۱۸۶۳ در انگلستان به تصویب رسید؛ همچنین در سال ۱۸۶۵ در واکنش به رشد شهرها، بدتر شدن آلودگی هوا و آب و به منظور حفاظت از روستاها در برابر تجاوز کارخانه‌های روستایی به مناطق روستایی "انجمن حفاظت از جامعه" ایجاد شد (Goldstein, 2018). همچنین می‌توان به انجمن‌های "دفاع از دریاچه^۱"، "بازگشت به طبیعت"^۲ و "انجمن سلطنتی حفاظت از پرندگان"^۳ اشاره نمود.

به طور کلی، جنبش‌های زیست محیطی کلاسیک منحصراً محلی یا ملی بودند و متعلق به افراد و طبقات بالای جامعه و روشنفکران طبقه متوسط شهری بودند که حفاظت از طبیعت، حفاظت حیات وحش و حفاظت از شهرها و مناطق روستایی در برابر آلودگی ناشی از صنعتی شدن و

^۱ Commons Preservation Society.

^۲ Lake District Defence Society.

^۳ Back-to-Nature.

^۴ Royal Society for the Protection of Birds.

شهرنشینی را مورد توجه قرار می‌داند و تلاش می‌کردند با اعمال نفوذ بر نظام سیاسی قوانینی را در جهت حفاظت و حمایت از محیط زیست تصویب نمایند.

ب) جنبش‌های زیست محیطی نوظهور: در اوایل دهه ۱۹۷۰ با افزایش آلودگی‌های زیست محیطی و انتشار آثار متعدد در زمینه تخریب محیط زیست، جنبش‌های زیست‌محیطی-نوظهور به وجود آمدند. جنبش‌های زیست‌محیطی نوظهور، جنبش‌های اجتماعی هستند که شبکه‌های غیرنهادینه شده متشکل از افراد و گروه‌هایی که فاقد وابستگی سازمانی هستند را شکل می‌دهند و انگیزه و هدف کنش دست جمعی آن در جهت رفع نگرانی‌های زیست محیطی است که دامنه و شدت نگرانی‌های آنها از جایی به جای دیگر می‌تواند متفاوت باشد (Dhondt, 2003, p. 326). مهمترین ویژگی جنبش‌های زیست محیطی نوظهور عبارت است از: بسیاری از مردم خود را بخشی از جنبش‌های زیست محیطی نوظهور می‌دانند از اینرو، در تظاهرات گسترده عمومی و اقدامات صوری و نمادین این جنبش‌ها شرکت می‌کنند، همچنین فعالیت جنبش‌های زیست محیطی نوظهور منحصراً محلی یا ملی نیستند بلکه در سطح بین‌المللی فعالیت می‌کنند و مردم حق عضویت در سازمان‌هایی را دارند که در سطح جهانی فعالیت می‌کنند. روش‌های مبارزه جنبش‌های زیست محیطی نوظهور متعدد، متنوع و غیر خشونت آمیز است (مگر در موارد استثنایی). به دلیل سطح فعالیت جنبش‌های زیست محیطی نوظهور در نامگذاری گروه‌های زیست محیطی نوظهور به ندرت از از واژه‌های ملی یا حوزه‌های خاصی مانند منطقه دریاچه‌ای و..... استفاده می‌شود. سیاست‌های زیست محیطی فقط مخصوص جوامع صنعتی نیست بلکه در کشورهای در حال توسعه نیز دارای اهمیت است و مهمتر از موارد ذکر شده، ورود جنبش‌های زیست محیطی نوظهور به عرصه قدرت و سیاست به صورت مستقیم و نقش آفرینی در این حوزه و ایجاد نوع جدیدی از سیاست به نام سیاست سبز و حزب جدید به نام حزب سبز شده است (ساتن، ۱۳۹۷، ص. ۱۷۴-۱۸۶).

۳- چپستی جنبش‌های زیست محیطی به مثابه جنبش‌های نوظهور اجتماعی

جنبش‌های زیست محیطی در واکنش به مدرنیته، صنعتی شدن و آثار و پیامدهای ناشی از آن شکل گرفته‌اند. از نیمه دوم قرن بیستم، به دلیل پیامدهای فراگیر و جهانی معضلات زیست محیطی، محیط زیست به موضوع اساسی فعالیت‌ها و نگرانی‌های انجمن‌ها و گروه‌های طرفدار محیط زیست در

سطح محلی، ملی، منطقه‌ای و جهانی تبدیل شده است. امروزه، مسائل و معضلات زیست محیطی در سه بعد کاهش منابع، تخریب منابع و آلودگی محیط زیست تجلی یافته است. آثار تخریب محیط زیست و پیامدهای ناشی از آن و ضرورت مقابله و تلاش برای حل این معضل و مشکل جهانی، زمینه را برای ظهور جنبش‌های زیست محیطی نوپدید در دهه ۱۹۷۰ فراهم نمود. در این بخش از مقاله در پاسخ به چپستی جنبش‌های زیست محیطی، ماهیت اجتماعی جنبش‌های زیست محیطی نوپدید، ساختار و اشکال سازمانی آنها و عملکرد جنبش‌های زیست محیطی نوپدید مورد بررسی قرار می‌گیرد.

ماهیت اجتماعی جنبش‌های زیست محیطی نوپهور: پس از جنگ جهانی دوم و پیشرفت

تکنولوژی، محیط زیست به شیوه‌های گوناگون مورد تهدید قرار گرفت. آزمایش‌های اتمی، تجزیه ناپذیری سموم کشاورزی، نابودی دریاچه آری^۱، غرق شدن کشتی نفت کش توری کانیون^۲ و نشت نفت در آب‌های اقیانوس، رشد بی‌رویه جمعیت و در نهایت، انتشار کتاب "بهار خاموش"^۳ نوشته راشل کارسون^۴ در دهه ۶۰، که به تأثیرات منفی آفت‌کش‌های زراعی به نام د.د.ت در محیط زیست و به ویژه بر روی پرندگان وحشی می‌پردازد (Carson, 2008, p. 21). نقطه عطفی در شکل‌گیری جنبش‌های زیست محیطی محسوب می‌شوند. مجموعه مسائل و معضلات زیست محیطی موجود، ضمن افزایش نگرانی‌های عمومی، همگان را به چاره‌اندیشی فرا می‌خواندند. از دیدگاه هانیگن^۵ برای اینکه یک مسأله زیست محیطی با موفقیت حل شود، باید نهادهای حامی مردم وجود داشته باشند که هم مشروعیت و هم شرایط لازم برای پیگیری و حل مسأله زیست محیطی را فراهم نمایند (هانیگن، ۱۳۹۳، ص. ۱۷۹-۱۸۲).

نتایج مطالعات زیست محیطی نشان می‌دهند که سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی در برجسته کردن مخاطرات ناشی از تخریب محیط زیست در میان دولت‌مردان و مردم نقش برجسته و بسزایی دارند؛ به گونه‌ای که بر سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها و نحوه رفتار مردم در مواجهه با مسائل زیست محیطی تأثیر قابل توجهی داشته‌اند (Dalmedico & Buffet, 2009, pp. 27-29).

در دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مفهوم جدیدی در محیط زیست با عنوان "محیط زیست جهانی" به وجود آمد. یکی از عواملی که در ایجاد این مفهوم تأثیر بسزایی داشت، انتشار عکس‌هایی بود که در اواخر دهه ۱۹۶۰ در فضا از زمین گرفته شده بود. این تصاویر مردم جهان را متوجه این موضوع کرد

1. Lake Erie.

2. Torrey Canyon.

3. Silent Spring.

4. Rachel Carson.

5. Hannigan.

که همه ما بر روی یک کره خاکی زندگی می‌کنیم و در آن شریک هستیم. این موضوع باعث نوعی آگاهی "زیست محیطی کهکشانی" شد و زمینه را برای سیاسی شدن جنبش‌های زیست محیطی فراهم نمود (دبیری & واحد ناوان, ۱۳۹۰). امروزه یکی از مهمترین و جدیدترین جنبه جنبش زیست محیطی، شکل‌گیری احزاب سیاسی سبز و حضور مستقیم طرفداران محیط زیست در عرصه سیاست با این پیش فرض است که سرنوشت کره زمین در نظام‌های سیاسی محوریت پیدا می‌کند (ساتن, ۱۳۹۷, ص. ۱۸۲).

ساختار و اشکال سازمانی جنبش‌های زیست محیطی نوظهور: جنبش‌های زیست محیطی، که با اندیشه حفظ محیط زیست و کره سبز وارد عرصه فعالیت اجتماعی شده‌اند، واکنشی در برابر کارکردهای خود ویرانگر جوامع غربی‌اندو تا حدودی در پاسخ به آگاهی‌های روزافزون زیست محیطی شکل گرفته‌اند (فیتز پاتریک, ۱۳۸۱, ص. ۳۶۸). از دیدگاه "گرلاخ"^۱، جنبش‌های زیست محیطی جزء جنبش‌های "توری‌مانند"^۲ هستند. جنبش‌های توری مانند از به هم پیوستن چند گروه یا نیروهایی به وجود می‌آیند که دارای آرمان مشترکی هستند؛ اما به صورتی مستقل فعالیت می‌کنند و شبکه‌ایی از نیروهای اجتماعی را تشکیل می‌دهند که مرز مشخصی ندارند (دلپورتا & دیانی, ۱۳۸۴, ص. ۲۰۴).

مهمترین ویژگی جنبش‌های زیست محیطی عبارتند از اینکه:

- ۱- پایگاه طبقاتی این جنبش‌ها متعدد و متنوع است (Oberschall, 1980, pp. 45-46).
- ۲- مطالبات آنها فراطبقاتی و جهانی است (دابسون, ۱۳۸۸, ص. ۳۰۹).
- ۳- طرفداران جنبش زیست محیطی عمدتاً نه برای کسب قدرت سیاسی، بلکه برای تحت تأثیر قرار دادن آن و در فضای جامعه مدنی به کنش می‌پردازند (پورسعید, ۱۳۹۲, ص. ۷۸).
- ۴- جنبش زیست محیطی هویت‌گراست و به دنبال باز تعریف کیستی انسان در ارتباطش با طبیعت است (پورسعید, ۱۳۹۲, ص. ۷۸).
- ۵- جنبش زیست محیطی، به دنبال گشودن فضاهایی جدید برای کنش‌های دموکراتیک است (دابسون, ۱۳۸۸, ص. ۴۲).
- ۶- یکی دیگر از ویژگی‌های جنبش‌های زیست محیطی به تعبیر اولسون، علاقه عام به کالاهای عمومی^۳ است؛ کالاهایی که برای ادامه حیات ضروری‌اند و باید بدون هزینه

1. Gerlach.

2. Reticular.

3. Public Goods.

در اختیار همه مردم باشند؛ کالاهایی مانند کیفیت هوا، سلامتی، یا کاهش ترافیک، که هیچ طبقه‌ای نمی‌تواند ادعای انحصاری دسترسی به آنها را داشته باشد (Donatella & Diani, 1999, pp. 2-3).

جنبش‌های زیست محیطی به طور کلی به دو نوع تقسیم می‌شوند: ۱- محیط زیست‌گرایی ۲- زیست بوم‌گرایی. محیط زیست‌گرایی، در برخورد با آسیب‌ها و بحران‌های زیست محیطی قصد دارد با استفاده از رویکرد مدیریتی و اصلاحی و با استفاده از ابزارهای علمی به اصلاح بحران‌های موجود در محیط زیست بپردازد. زیست بوم‌گرایی اما، شرط داشتن محیط زیست پایدار را در دگرگونی بنیادی در مناسبات انسان با طبیعت غیر انسانی می‌داند و دارای سرشت و کارکردی انقلابی است (دابسون ا.، ۱۳۷۷، ص. ۱۱)

در یک تقسیم‌بندی دیگر، جنبش‌های زیست محیطی به دو دسته سبزه‌های تیره^۱ و سبزه‌های روشن^۲ تقسیم می‌شوند. سبزه‌های تیره، بسیار افراطی هستند و معتقدند از آنجائی که همه گونه‌های زنده و نه فقط انسان‌ها دارای ارزش اخلاقی هستند، انسان‌ها باید در طبیعت کمترین مداخله ممکن را انجام دهند. سبزه‌های تیره طرفدار عمل مستقیم بر علیه آلوده‌کننده‌ها و تخریب‌کنندگان محیط زیست هستند (کهپیل، ۱۳۹۳، ص. ۵۶) سبزه‌های تیره برای به چالش کشیدن نظم کنونی، به دنبال ائتلاف با کسانی هستند که از نظم کنونی زیان دیده‌اند (هریسون & بوید، ۱۳۹۲، ص. ۳۸۷).

سبزه‌های روشن، بر این باورند که دگرگونی‌ها باید از درون نظام موجود و از طریق وضع مقررات حفاظت از محیط زیست، تغییرات مالیاتی، کند شدن رشد اقتصادی به صورت تدریجی ایجاد شوند. از دیدگاه سبزه‌های روشن، هدف از حفاظت محیط زیست حفظ آسایش انسان‌هاست؛ در حالیکه از دیدگاه سبزه‌های تیره، هدف از حفاظت محیط زیست حفاظت از تمام موجودات است (هریسون & بوید، ۱۳۹۲، ص. ۴۰۳).

مهمترین سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی

سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی در پاسخ به تخریب گسترده محیط زیست و افزایش آلودگی‌های زیست محیطی به وجود آمدند از دیدگاه آنها، سوء استفاده شرکت‌ها از قدرت و موقعیت خود برای کسب منافع مادی از طریق بهره‌برداری‌های گسترده از محیط زیست و سیاست‌های نامناسب حکومت در قبال مسائل زیست محیطی، باعث به وجود آمدن مشکلات

1. Dark Green.

2. Light Green

زیست محیطی و اجتماعی شده‌اند. از اینرو، این جنبش‌ها با استفاده از کنش‌های مستقیم غیر خشونت آمیز در فعالیتهای خود، خواهان جلوگیری از تخریب محیط زیست و مقابله با افراد، گروه‌ها و سیاست‌هایی هستند که باعث به وجود آمدن مسائل و مشکلات زیست محیطی شده‌اند. مهمترین سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی عبارتند از:

صلح سبز^۱: "صلح سبز" بزرگترین سازمان طرفدار محیط زیست در جهان است. که در افکار عمومی با ویژگی ضد مدرن شناخته می‌شود و با تمام پیامدهای منفی مدرنیته تضاد دارد. نگرانی از ساخت بمب اتم و آزمایش سلاح‌های هسته‌ای، احساس انزجار و مخالفت با مصرف‌گرایی افراطی و مخالفت شدید با سیاست خارجی نظامی‌گرایانه، از رویکردهای مهم این جنبش هستند (Zelko, 2004, p. 129). فعالیت صلح سبز، مستقیم و غیر خشونت آمیز است و با جهت‌گیری رسانه‌ای همراه است. اصلی‌ترین گرایش این جنبش، استفاده از رسانه‌های بین‌المللی برای به نمایش گذاشتن فعالیتهای ضد محیط زیستی است. صلح سبز، به منظور دستیابی به این هدف، از دو شیوه یا راهکار استفاده می‌کند: اول اینکه، موارد سوء استفاده از محیط زیست را، برای جلب توجه افکار عمومی و بازتاب گسترده آن در جامعه، رسانه‌ای می‌کند. بدین منظور، جنبش صلح سبز از اقدامات نمادین استفاده می‌کند (Wapner, 2008, p. 321). دوم اینکه، این گروه‌ها به منظور حفاظت از محیط زیست، خود مستقیم درگیر فعالیتهای خطرناک می‌شوند. به همین دلیل، در مواردی به دلیل اقداماتشان مورد سوء قصد و تهاجم دولت‌ها قرار گرفته‌اند. در این زمینه می‌توان به غرق کردن کشتی صلح سبز توسط دولت فرانسه در سال ۱۹۸۵ اشاره نمود (گرچی فرد، ۱۳۹۵، ص. ۱۲۸-۱۲۹).

اول زمین^۲: گروه "اول زمین"، با ورود به عرصه سیاست، و حضور فعالان زیست محیطی در عرصه سیاست در قالب احزاب سبز مخالف هستند. آنها نسبت به سیاستمداران بدبین‌اند و معتقدند که گروه‌های زیست محیطی در دستیابی به اهدافشان شکست خورده‌اند. از اینرو شعار گروه اول زمین "در دفاع از زمین مادر، هیچ سازشی را نمی‌پذیریم"، است. از دیدگاه گروه "اول زمین"، طبیعت مهمتر از موجودات انسانی است و صنعتی شدن باعث تباهی آن و حتی فروپاشی و تباهی کره زمین می‌شود (وال، ۱۳۹۴، ص. ۲۷). آنها به منظور مقابله با تهدیدات زیست محیطی، از کنشگری مستقیم مانند "اکوتاژ"^۳ (سبز شده واژه خرابکاری^۴) حمایت می‌کنند. از دیدگاه آنها،

1. Green Peace.

2. EarthFirst.

3. Ecotage.

4. Sabotage.

قحطی، گرسنگی، و شیوع بیماری‌های واگیردار باعث می‌شوند طبیعت توازن خود را به دست آورد و حتی برخی از اعضای گروه "اول زمین"، در یک دیدگاه افراطی، خواهان عقیم کردن اجباری توده‌های انسانی هستند (وینسنت، ۱۳۷۸، ص. ۳۰۷).

عدالت زیست محیطی^۱: انتشار اثری از رابرت بولارد^۲ در دهه ۹۰ میلادی تحت عنوان "دفع زباله در جنوب"^۳ را می‌توان سرآغاز تأسیس جنبش "عدالت زیست محیطی" محسوب نمود. در این اثر، بولارد به بررسی تفاوت‌های گسترده اقتصادی، بهداشتی و زیست محیطی در بین گروه‌های نژادی، اجتماعی و اقتصادی در قرن بیستم می‌پردازد. از دیدگاه جنبش عدالت زیست محیطی، اسکان افرادی از یک نژاد یا قوم در مکان‌هایی که از آلودگی بالاتری برخوردارند، یا انباشت مواد سمی و آلوده در نزدیکی شهرها یا محیط‌هایی که افراد یک نژاد یا قوم خاص زندگی می‌کنند، از مصادیق تبعیض نژادی محسوب می‌شود. از اینرو، یکی از اهداف عدالت زیست محیطی، افزایش توزیع برابر امکانات زیست محیطی و تضمین این اصل است که به هیچ جامعه‌ای به صورت نابرابر زیان‌های زیست محیطی وارد نشود (Gonzalez, 2006, pp. 345-378).

جنبش شورش علیه انقراض^۴: در سال ۲۰۱۸ میلادی، جنبش‌های زیست محیطی رادیکال‌تر شدند و خواهان تغییرات اساسی و بنیادین در زمینه حفاظت از محیط زیست گشتند. از اینرو، اهداف، برنامه‌های سیاسی آنها، شیوه مبارزاتی و طرفداران این جنبش‌ها نیز تغییر کرد. آنها نمایندگان و به ویژه احزاب سبز در مجلس را مورد انتقاد قرار می‌دهند که برای دستیابی به پست‌های سیاسی و دولتی مواضع خود را در مورد محیط زیست تغییر می‌دهند. جنبش‌های رادیکال جدید زیست محیطی، به دنبال ایجاد یک گروه منسجم و بدون تعلقات سیاسی هستند. آنها مانورهای سیاسی را به شدت محکوم کرده و اجازه نمی‌دهند که احزاب سیاسی از مبارزات آنها به نفع خود استفاده کنند (Randall, 2008, pp. 303-305) یکی از مهمترین جنبش‌های رادیکال نوین "جنبش شورش علیه انقراض" است. که در واکنش به تغییرات شدید زیست محیطی در سال ۲۰۱۸ در انگلستان تأسیس شد. از نظر مؤسسان این جنبش، تغییرات اقلیمی خطرناکی در حال وقوع است و بهتر است پیش از آن که همه نابود شوند، راه‌حلی پیدا کرد؛ زیرا تمام راه‌های مدنی در دهه‌های گذشته برای حفاظت از محیط زیست و جلوگیری از تخریب آن بی‌نتیجه مانده است. از اینرو آنها به نافرمانی مدنی روی آورده‌اند و با استفاده از شیوه‌های غیر خشونت آمیز از دولت‌ها

¹ Environmental Justice.

² Robert Bullard.

³ Dumping in Dixie.

⁴ Extinction Rebellion.

می‌خواهند که "وضعیت فوق‌العاده اقلیمی و زیست‌محیطی" اعلام کنند و برای "مقابله با تغییرات اقلیمی فوراً دست به کار شوند (لوکور، ۲۰۱۹). مهمترین اهداف این جنبش در بریتانیا عبارت‌اند از: یک: دولت باید وضعیت فوق‌العاده اقلیمی اعلام کند. دو: دولت بریتانیا باید بر اساس قانون موظف شود که تولید دی‌اکسید کربن را تا سال ۲۰۲۵ به صفر برساند (Randall, 2008, pp. 303-305). سه: یک کمیته شهروندی باید تشکیل شود تا بر این تغییرات نظارت کند (لوکور، ۲۰۱۹).

گروه‌های طرفدار محیط زیست

علاوه بر جنبش‌های زیست‌محیطی، گروه‌های متعدد و متنوعی هم در زمینه محیط زیست فعالیت می‌کنند. از مهمترین این گروه‌ها، می‌توان به "باشگاه سیرا" و "گروه بازپس‌گیری خیابان‌ها" اشاره نمود. در این بخش، این گروه‌ها و عملکرد آنها را مورد بررسی قرار می‌دهیم. **باشگاه سیرا^۱**: "باشگاه سیرا"، بزرگترین تشکل زیست‌محیطی است که در سانفرانسیسکو پایه‌گذاری شد بنیانگذاران آن تلاش کردند تا دولت را متقاعد کنند که منطقه یوسیمیتی را در کالیفرنیا مورد محافظت قرار دهد. این باشگاه در ابتدا به دنبال حفاظت از محیط‌های طبیعی در سلسله کوه‌های سیئرا نوادا بود؛ زیرا این کوه‌ها بخشی از زیبایی طبیعی در منطقه محسوب می‌شدند (ساتن، ۱۳۹۷، ص. ۱۶۹). سپس ضمن افزایش درکی علمی از مناطق طبیعی، باعث افزایش آموزش عمومی در مورد مسائل زیست‌محیطی شد. در واقع، دسترسی عمومی به طبیعت، درک زیبایی شناختی و شناخت علمی، عواملی بودند که افراد بیشتری را برای ورود به جنبش‌های زیست‌محیطی ترغیب می‌کردند.

گروه بازپس‌گیری خیابان‌ها^۲: "گروه بازپس‌گیری خیابان‌ها" برای اولین بار در سال ۱۹۹۱ توسط جنبش "اول زمین" در انگلستان تأسیس شد. این جنبش یک جنبش ضد ماشین و طرفدار وسایل ارتباطی جایگزین است. آنها خواهان بازگرداندن خیابان‌ها به جامعه و بازپس‌گیری آنها از شرکت‌ها هستند. زیرا از نظر آنها، در دهه‌های اخیر فضاهای عمومی که متعلق به همگان بوده‌اند، بر اثر گسترش سرمایه‌داری به مالکیت خصوصی تبدیل شده و به همین دلیل از دسترس عموم خارج شده‌اند. از اینرو، مهمترین هدف جنبش بازپس‌گیری، احیای مجدد فضای شهری در دورانی است که نظام سرمایه‌داری همه چیز را به تصرف خود در آورده است (Jordan, 2009, p. 287). از دیگر

¹. Sierra Club.

². Reclaim The Street.

اهداف "جنبش باز پس‌گیری خیابان‌ها"، شادی در شهرها و امکان برپایی تجمعات بزرگ و کوچک برای شادمانی، رقص و آواز خواندن است. نائومی کلاین^۱ خواسته مشترک این گروه‌ها را حق استعمارزدایی از فضا می‌داند؛ تا فضای شهری به روی زندگی جمعی باز شود. به‌عنوان مثال، در یک اجرای خیابانی فعالان باز پس‌گیری خیابان‌ها ناگهان به میان اتومبیل‌ها در خیابان آمدند، سیستم صوتی را که نیروی الکتریسیته آن از رکاب زدن دوچرخه‌ها تأمین می‌شد، به کار انداختند و با پخش موسیقی در خیابان‌ها، از خیابان به عنوان یک مکان تجمع، یک محل رقص، یک مکان ملاقات برای لذت بردن از زندگی بدون خطر خودرو استفاده کردند (Klein, 2000, p. 312).

امروزه سازمان‌ها و گروه‌های طرفدار محیط زیست در تمام دنیا وجود دارند. گاهی اوقات این سازمان‌ها و گروه‌های متعدد و متنوع بین‌المللی، در قالب یک مبارزه بزرگ زیست محیطی به منظور دستیابی به اهدافشان در زمینه حفاظت و حراست از محیط زیست با یکدیگر متحد می‌شوند؛ از جمله مهمترین گروه‌های زیست محیطی که در دهه‌های اخیر با یکدیگر متحد شده‌اند، می‌توان به گروه‌های "صلح سبز"، "اول زمین"، "دوستان زمین"، "باز پس‌گیری خیابان‌ها" اشاره کرد. مبارزات آنها عمدتاً در تقابل با انرژی هسته‌ای، تلاش برای توقف صید و تجارت نهنگ، ممانعت از تخلیه ضایعات هسته‌ای در دریا و نابودی بذریه‌های اصلاح شده ژنتیک است (انصاری، ۱۳۹۲، ص. ۳۳).

۴- عملکرد جنبش‌های زیست محیطی نوظهور: شیوه‌های اعتراض و ابزارهای اقدام

امروزه یکی از موضوعاتی که در مورد جنبش‌های اجتماعی اهمیت دارد، ابزارها و شیوه‌هایی است که جنبش‌های اجتماعی با استفاده از آنها دست به اقدام می‌زنند. جنبش‌های اجتماعی ابزارها و شیوه‌های عمل خود را بر اساس شرایط زمان انتخاب می‌کنند و تغییر می‌دهند. چارلز تیلی^۲ این ابزار و شیوه‌ها را با عنوان چننه یا خزانه^۳ جنبش معرفی می‌کند. از دیدگاه تیلی، محیط جغرافیایی، شرایط سیاسی و امکاناتی که محیط در اختیار ما می‌گذارد، در استفاده از چننه‌های جنبش‌های اجتماعی مؤثر است (تیلی، ۱۳۸۹، ص. ۸۴).

سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی از شیوه‌ها و ابزارهای متعدد و متنوعی برای بیان خواسته‌ها و اعتراض خود نسبت به تخریب محیط زیست و حفاظت از آن استفاده می‌کنند. در این پژوهش، شیوه‌های اعتراض آنها به سه دسته کلی تقسیم می‌شوند که عبارتند از: نافرمانی مدنی،

^۱. Naomi Klein.

^۲. Charles Tilly.

^۳. Repertoire

فعالیت‌های نمادین و خرابکاری؛ که هر دسته از اشکال اعتراضی مورد بررسی قرار می‌گیرد. همچنین در پایان این بخش از مقاله، عملکرد رسانه‌های نوین ارتباطی به عنوان مهمترین ابزار مورد استفاده سازمان‌های مردم‌نهاد زیست‌محیطی، در سازماندهی، شکل دادن به اعتراضات و گسترش دامنه اعتراضات مورد بررسی قرار می‌گیرد.

شیوه‌های اعتراض در جنبش‌های زیست‌محیطی نوظهور

جنبش‌های اجتماعی ابزارها و شیوه‌های عمل خود را بر اساس مقتضیات زمان انتخاب می‌کنند و تغییر می‌دهند. جنبش‌های زیست‌محیطی نیز از این قاعده پیروی می‌کنند؛ امروزه جنبش‌های زیست‌محیطی به طور کلی از سه نوع شیوه اعتراض استفاده می‌کنند که عبارتند از نافرمانی مدنی، اقدامات سمبلیک یا نمادین و خرابکاری. در این بخش از مقاله، اشکال اعتراضی جنبش‌های زیست‌محیطی مورد بررسی قرار می‌گیرند.

نافرمانی مدنی^۱: نافرمانی مدنی از نظر اصطلاحی عبارت است از هر اقدام قانون شکنانه آشکار و عمدی که با هدف جلب توجه همگان به نامشروع بودن برخی قوانین یا نادرستی آنها از جنبه اخلاقی و عقلانی صورت می‌گیرد (مک‌لین، ۱۳۹۵، ص. ۵۶۳). از دیدگاه گاندی، نافرمانی مدنی کاملاً انقلابی است و خالی از عنصر خشونت. شرکت‌کنندگان در نافرمانی مدنی، علیه قانون ظلم و جور عصیان می‌کنند؛ آنها مردم را دعوت می‌کنند که در مقابل قوانین خلاف عدالت اعتصاب کنند؛ و از قوانینی که بعضی نژادها را از ورود به بعضی اماکن ممنوع می‌سازند، اطاعت نکنند (گاندی، ۱۳۹۴، ص. ۲۲۶). مسالمت آمیز بودن اعتراضات سیاسی، دوری از خشونت در جریان اقدام به نافرمانی مدنی، عمومی و آگاهانه بودن قانون شکنی، خصوصیات هستند که برای تعریف نافرمانی مدنی توسط نظریه‌پردازان جنبش‌های اجتماعی پذیرفته شده‌اند.

اشکال نافرمانی مدنی در جنبش‌های زیست‌محیطی

به دلیل اوضاع بحرانی محیط زیست، طرفداران محیط زیست به شیوه‌های متنوع‌تری از مبارزه برای بهبود شرایط زیست‌محیطی روی آورده‌اند. تا بدین وسیله هر گروه براساس شرایط و توانایی‌های خود از یک یا چند روش استفاده کنند.

^۱. Civil Disobedience.

تظاهرات^۱: یکی از شیوه‌های مورد استفاده سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی برای جلوگیری از تخریب محیط زیست و حفاظت از آن، تظاهرات است که حتی در مواردی ابعاد جهانی پیدا می‌کند. وسعت تظاهرات به طور مستقیم و غیر مستقیم بر حکومت‌ها تأثیر می‌گذارد و از این طریق، مخالفان شاخصی به دست حکومت‌ها می‌دهند که بدانند آنها تا چه اندازه از حمایت مردمی برخوردارند و از این طریق دولت‌ها می‌فهمند که تا چه میزان باید به اعتراضات توجه کنند و به آنها اهمیت بدهند (Denardo, 1985, p. 36). از اینرو، جنبش‌های زیست محیطی باید بتوانند بیشترین تعداد ممکن تظاهر کنندگان را بسیج کنند تا از طریق تظاهرات گسترده توان خود را برای تأثیرگذاری بر پارلمان‌ها و حکومت‌ها افزایش دهند. در این زمینه می‌توان به تظاهرات گسترده علیه آزمایش‌های هسته‌ای فرانسه در موروا اشاره نمود. تظاهر کنندگان در بسیاری از کشورها مشروعیت تصمیم فرانسه را به چالش کشیدند و به منظور ممانعت از اجرایی نمودن این تصمیم، با استفاده از برگزاری یک رشته تظاهرات اعتراض آمیز به تحریک افکار عمومی پرداختند (Rochon, 1988, pp. 3-6). به دنبال بروز حادثه چرنوبیل در سال ۱۹۸۶، تظاهرات گسترده‌ای در بسیاری از کشورهای اروپا شکل گرفت. و معترضان، خواستار پایان دادن به استفاده از انرژی هسته‌ای بودند (Kriesi, Koopmans, & Giugni, 1995, p. 49). در سال ۱۹۹۵ تظاهرات گسترده بین‌المللی در واکنش به اقدامات شرکت رویال داچ شل^۲ در نیجریه برگزار گردید؛ زیرا در نتیجه فعالیت‌های شرکت نفتی شل در منطقه اوگونیلند^۳ نیجریه، زائدات نفتی بسیاری به رودخانه‌ها و آبگیرهای این منطقه سرازیر شده و نیز آتش‌سوزی‌های بسیاری در نواحی جنگلی اوگونیلند بوقوع پیوست (ون روی، ۱۳۸۶، ص. ۱۹۹-۲۰۰). همچنین در سال ۲۰۱۹ جنبش شورش علیه انقراض در اعتراض به تغییرات اقلیمی و آثار آن، تظاهرات گسترده‌ای را در لندن برگزار کرد. این تظاهرات که یازده روز طول کشید، در اروپا بازتاب گسترده‌ای پیدا کرد و به همین دلیل در حمایت از اقدام آنها در دیگر پایتخت‌های اروپایی تظاهرات مشابهی برگزار گردید (لوکوره، ۲۰۱۹).

بست نشینی یا تحصن^۴: این شیوه اعتراض برای اولین بار در سال ۱۹۸۶ در جنبش دانشجویی مورد استفاده واقع شد و به عنوان یک شیوه نافرمانی مدنی جدید مورد استقبال سایر گروه‌ها و جنبش‌های معترض قرار گرفت و به سایر نقاط اروپا منتقل شد (Tilly, 1986, p. 7).

1. Demonstration.

2. Royal Dutch Shell.

3. Ogoniland

4. Sit-Ins.

امروزه جنبش‌های زیست محیطی در حرکت‌های اعتراضی خود به طور مستمر از شیوه بست نشینی استفاده می‌کنند. در سال ۱۹۸۱ همزمان با برگزاری اولین کنوانسیون اروپایی صلح در بروکسل، اعتصاب کنندگان از کشورهای مختلف در اعتراض به فعالیت‌های هسته‌ای کشورهای اروپایی، در خارج از تعدادی از پایگاه‌های هسته‌ای تحصن کردند (Epstein, 1991, p. 8).

در سال ۲۰۱۹ فعالان زیست محیطی در اعتراض به تغییرات جوی تاکتیک بست‌نشینی را به مدت دو هفته انتخاب کردند. آنها در مرکز شهر لندن چادر زده و در اعتراض به تغییرات جوی به مدت یازده روز بست نشستند. در شهر برلین، تظاهر کنندگان رفت و آمد خودروها را در میدان اصلی شهر مسدود کردند و تعدادی از آنها در بیرون از دفتر آنجلا مرکل خود را به زنجیر کشیدند. در سایر کشورهای اروپایی مانند هلند، استرالیا، نیوزلند، اسپانیا و اتریش جنبش‌های زیست محیطی خیابان‌ها را مسدود کردند. هدف اصلی آنها وادار کردن حکومت‌ها به کاهش تولید گازهای گلخانه‌ای به صفر تا سال ۲۰۲۵ و متوقف کردن روند نابودی تنوع زیست محیطی در کره زمین بوده است (لوکور، ۲۰۱۹).

اشغال مکان‌های دولتی: از دیدگاه گروه "نافرمانی زیست محیطی پاریس"^۱، گروه‌های زیست محیطی به منظور تضعیف نظم موجود و تغییر توازن قواعد بازی به نفع خود، باید از شیوه‌های جدیدتر و مؤثرتر نافرمانی مدنی مانند اشغال درازمدت مکان‌های استراتژیک استفاده کنند (همان). در سال ۱۹۹۵ در اعتراض به تصمیم فرانسه مبنی بر انجام آزمایش‌های هسته‌ای، تظاهر کنندگان سفارت فرانسه را در کانبرا^۲ اشغال کردند (دلپورتا & دیانی، ۱۳۸۴، ص. ۳۲۸). در آوریل ۲۰۱۹ سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی دفاتر، شرکت‌ها و اماکن مربوط به وزارت محیط زیست را در محله لدفانس پاریس به اشغال در آوردند. در همین سال و در اقدامی مشابه، گروه‌های "نافرمانی زیست محیطی پاریس"، "جنبش شورش علیه انقراض" و "جوانان برای آب و هوا" به منظور پشتیبانی و حمایت از جلیقه‌زرها^۳ ساختمان‌های دولتی در شرق پاریس را اشغال کردند (ایران نیوز، ۱۳۹۹).

تحریم^۴: یکی از مهمترین اقداماتی که می‌تواند سیاست دولت‌ها و شرکت‌های بزرگ را در رابطه با برنامه‌های مربوط به تخریب محیط زیست تغییر دهد استفاده از تحریم است. تحریم تجارت چوب‌های آمازون با انگیزه حفاظت از جنگل‌های استوایی توسط "جنبش جنگل‌های بارانی" نمونه‌ای از سیاست تحریم است. همچنین در سال ۱۹۹۶ شرکت شل تصمیم داشت دکل نفتی فرسوده خود را به دریای شمال بیندازد، و از آنجا که این اقدام باعث آلودگی دریا و صدمات زیست

1. Désobéissance Ecolo Paris.

2. Canberra.

3. Le Mouvement des Gilets jaunes.

4. Boycott.

محیطی بسیاری به موجودات دریایی می‌شد، "صلح سبز" در واکنش به تصمیم شل تمام ایستگاه‌های پمپ بنزین شل در آلمان را تحریم کرد. در اثر تحریم و کاهش فروش بنزین، شرکت شل تسلیم شد و راه دیگری را برای دورانداختن دکل فرسوده خود انتخاب کرد (پراون، ۱۳۸۱).

امضای دادنامه‌ها^۱: یکی دیگر از شیوه‌های نافرمانی مدنی مورد استفاده جنبش‌های زیست محیطی، امضاء دادنامه‌هاست. دادنامه‌ها برای نشان دادن و نمایش قدرت عددی و میزان حمایت از جنبش‌ها استفاده می‌شوند. هدف امضاء کنندگان دادنامه‌ها، تلاش برای تأثیرگذاری بر افکار عمومی است که منبع نهایی قدرت سیاسی محسوب می‌شوند. با توجه به اینکه امضاء کنندگان دادنامه‌ها رأی دهنده نیز هستند، پس فرض بر این است که نمایندگان برای اینکه امکان انتخاب مجدد آنها در دور بعد فراهم شود، بالأجبار مواضع خود را تغییر خواهند داد. دادنامه مردم هلند علیه موشک های کروز در سال ۱۹۷۹ و دادنامه‌هایی که در سال ۱۹۸۴ خواهان برگزاری رفراندوم در تمام کشورهایی بودند که در آنها پایگاه‌های موشکی قرار داشت، نمونه‌ای از دادنامه‌هایی هستند که توسط طرفداران محیط زیست مورد استفاده قرار گرفته‌اند (Rochon, 1988, p. 120&174).

اقدامات نمادین یا سمبلیک^۲: کنش نمادین یا سمبلیک از دیگر شیوه‌هایی است که مورد استفاده جنبش‌های زیست محیطی قرار می‌گیرد. پیش فرض کنش نمادین یا سمبلیک بر این اصل است که زبان و نمادها، کاری بیش از انتقال ساده اطلاعات را انجام می‌دهند. آنها علاوه بر اینکه چیزی می‌گویند و کاری انجام می‌دهند، به شکل فعالانه‌ای درک ما را شکل می‌دهند و به خلق معنای تازه می‌پردازند و ما را به دنیای وسیعتری رهنمون می‌سازند (Cox, 2007, p. 20). استفاده از کنش نمادین دو کارکرد دارد: اول اینکه ما را هوشیار می‌سازد، به ما هشدار می‌دهد، ما را متقاعد می‌کند، قدرت بسیج‌کنندگی دارد و به ما برای حل مشکلات زیست محیطی یاری می‌رساند و دارای تأثیری فوری است. دومین ویژگی آن، برسازنده بودن آن است؛ یعنی به ساخت یا شکل دهی بازنمایی‌های طبیعت و مشکلات زیست محیطی کمک می‌کند و همچنین کمک می‌کند موضوعات مشخصی را به عنوان مشکل شناسایی و تعریف کنیم (منتظر قائم & عرفانی حسین پور، ۱۳۹۵، ص. ۱۵۲).

گروه‌های مردم نهاد زیست محیطی از شیوه‌ها و اشکال مختلفی برای فعالیت نمادین استفاده می‌کنند. اقداماتی مانند بغل کردن درختان^۳، خوابیدن در برابر لودرهای تخریب‌گر، حصارکشی درختان، تشکیل زنجیره انسانی و مسدود کردن جاده‌هایی که به جنگل‌ها منتهی می‌شوند به منظور

1. Petitions.

2. Symbolic.

3. Tree Hunger.

حفاظت از جنگل‌ها، سد کردن راه بولدزرها و ماشین‌آلات سنگین به منظور ممانعت از انجام پروژه‌هایی که به محیط زیست آسیب می‌زنند، و همچنین برهم زدن مراسمات رسمی، سازماندهی اعتصابات، مدفون کردن خود تا بالای گردن در گل و لای و سایر اقدامات مستقیم، نوعی کنش نمادین محسوب می‌شوند (Chalecki & Chalecki, 1999, p. 1669). جنبش زیست محیطی شورش علیه انقراض، در یک اقدام نمادین از طرفداران خود درخواست برگزاری "تظاهرات دیجیتالی" نموده و از آنها خواسته است تا با تلفن زدن و ارسال پیام به نمایندگان حوزه‌های انتخابیه خود و نیز "نهادهای قدرت"، درباره ضرورت اقدام فوری به منظور نجات کره زمین، اقدام کنند (ایران نیوز، ۱۳۹۹).

از دیگر اقدامات نمادین می‌توان به اقدام زنان طرفدار صلح در زمان برگزاری جلسات "گروه برنامه‌ریزی هسته‌ای ناتو" در بن اشاره نمود. زنان در خارج ستاد فرماندهی، با پاشیدن شن بر روی زمین شعار می‌دادند که ما نمی‌خواهیم شن در چشمانمان برود. همچنین در اجلاس اقتصادی ملل صنعتی غرب در ۱۹۸۴، گروه "مبارزه برای خلع سلاح هسته‌ای" تظاهراتی را در لندن برپا نمود که در آن بسیاری از فعالان، مدل‌هایی از موشک‌های کروزر را با شعار "به طرف پرتاب کننده‌ات برگرد" حمل می‌کردند. فعالان محیط زیست در آلمان، کلوچه‌هایی را به شکل تانک پخته بودند و در هفته صلح آنها را توزیع می‌کردند و می‌گفتند "کلوچه به جای تانک". فعالان زیست محیطی در ناحیه گریم هان، دورتا دور یک پایگاه موشکی را احاطه کردند تا به اصطلاح، نظامی‌گری را زندانی کنند. آنها آئینه‌هایی را جلوی این پایگاه گرفتند تا شر آن را به خودش بازگردانند و بذرهایی را روی حصارها پاشیدند تا زندگی را به جای مرگ پرورش دهند. (Rochon, 1988, p. 120).

خرابکاری: در سال‌های اخیر، مجموعه‌ای از جنبش‌های زیست محیطی در عرصه جهانی ظهور کرده‌اند که به آنها "محیط‌زیست‌گرایان رادیکال"^۲ گفته می‌شود. مهمترین ویژگی این جنبش‌ها، ماهیت خصمانه تاکتیک‌هایی است که اغلب به کار می‌برند. این جنبش‌ها اغلب به نام "مبارزان محیط‌زیست"^۳ معروف هستند و یا به صورت کنایه آمیزی، مقامات دولتی آنها را "ترورگرهای محیط‌زیست"^۴ می‌نامند. اعضای این جنبش‌ها مستقیماً با مسأله اجتماعی تخریب محیط زیست برخورد می‌کنند. آنها به منظور ممانعت از تخریب جنگل‌ها، به بولدزرها و دیگر ماشین‌آلات که قصد تخریب جنگل را دارند، صدمه می‌زنند؛ به منظور حفاظت و حمایت از حیوانات، آزمایشگاه‌های آزمایش حیوانات و وسایل و تجهیزات آنان را تخریب می‌کنند؛ در مقابل خانه محققانی که بر روی

1. Sabotage.

2. Radical Environmentalism.

3. Eco-Warriors.

4. Eco Terrorists.

حیوانات تحقیق و آزمایش می‌کنند، تحصن می‌کنند؛ و به منظور ممانعت از فعالیت معدن‌کاران و عملیات استخراج معادن، خطوط برق را مختل می‌کنند. با وجود اقدامات مذکور، مبارزان محیط زیست تاکنون باعث صدمه فیزیکی جدی به هیچ انسانی شده‌اند. (Randall, 2008, pp. 287-301)

به عقیده دیو فورمن،^۱ هر نوع عملیات خرابکاری به منظور مقاومت مستقیم و مقابله با تخریب زمین و اشکال زیستی آن، عملی خشونت‌آمیز محسوب نمی‌شود؛ زیرا هدف این سازمان‌های زیست محیطی هرگز صدمه زدن به هیچ موجود زنده‌ای نیست. فعالان جنبش از راهبردهای مستقیم مانند خرابکاری به عنوان یک نوع تنوع تاکتیکی و بر اساس شرایط خاص استفاده می‌کنند؛ زیرا از دیدگاه آنها گاهی اوقات اقدامات رادیکال می‌تواند به فعالان زیست محیطی برای دستیابی سریعتر به اهداف و مقاصد کمک بیشتری کنند. علاوه بر "اول زمین"، سایر گروه‌های زیست محیطی مانند "صلح سبز"، "چوپانان دریا"^۲، "برخورد اخلاقی مردم با حیوانات"^۳، "اتحاد ردوود"^۴، "توقف ظلم بر حیوانات هانتینگتون"^۵ و "دوستان زمین" نیز به تناسب موقعیت و شرایط، از راهکار خرابکاری برای دستیابی به اهداف خود استفاده می‌کنند (Randall, 2008, pp. 303-305)

هدف سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی از اتخاذ تاکتیک‌های خرابکاری، افزایش هزینه‌های عملیاتی دولت‌ها در پروژه‌ها و فعالیت‌هایی است که باعث تخریب محیط زیست می‌شوند. همچنین افزایش آگاهی مردم و حساس نمودن آنها نسبت به مسائل زیست محیطی و افزایش اعتبار خود به عنوان یک سازمان مردم نهاد زیست محیطی در نزد مردم، از دیگر اهداف آنهاست (Foreman & Haywood, 1989, p. 173)

ابزارهای اقدام توسط جنبش‌های زیست محیطی نوظهور

برای درک بهتر عملکرد سیاسی جنبش‌های زیست محیطی، لازم است با مهمترین ابزارهای اقدام آنها نیز آشنا شد. یکی از مهمترین ابزارهای مورد استفاده جنبش‌های زیست محیطی، فناوری‌های نوین اطلاعاتی و ارتباطی است که در دهه ۱۹۹۰ در افزایش قدرت جنبش‌های اجتماعی جدید، شکل‌دهی و هدایت افکار عمومی جهانی، اعتراض‌ها و ایجاد چالش‌های جدی برای حکومت‌ها، نقش مهمی بازی کرده‌اند.

1. Dave Foreman.

2. Sea Shepherds.

3. People for the Ethical Treatment of Animals.

4. Redwood Alliance.

5. Stop Huntingdon Animal Cruelty.

استفاده از اینترنت و رسانه‌های نوین ارتباطی: اینترنت به دلیل برخورداری از قابلیت‌هایی همچون وب‌سایت‌ها، گروه‌های خبری، پست الکترونیک و پتانسیل بالای شبکه‌سازی می‌تواند در موفقیت جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج افکار عمومی و گسترش اعتراض‌های جهانی تأثیرگذار باشد (سردارنیا، ۱۳۸۸، ص. ۱۵۳-۱۵۴).

تکنولوژی‌های نوین ارتباطی به‌ویژه اینترنت، به عنوان ابزاری برای سازماندهی، بسیج نیروها، تبادل اطلاعات و ایجاد ائتلاف میان گروه‌های مختلف زیست محیطی، به سرعت مورد توجه فعالان زیست محیطی قرار گرفت. به عنوان مثال، سازمان‌های مردم‌نهاد زیست محیطی برای جلوگیری از تصویب "معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی"^۱ که در آن، پیش‌بینی‌های لازم برای حفاظت از محیط زیست صورت نگرفته بود، با استفاده از شبکه‌های اینترنتی، ائتلافی از گروه‌های زیست محیطی در آمریکا، کانادا و شیلی متشکل از سازمان‌هایی مانند "دوستان زمین"، "باشگاه سیرا"، "صلح سبز"، "مدافعان حیات وحش" و "انجمن قانون محیط زیست کانادا" تشکیل دادند (Immerwahr, 1999).

در جریان گرم شدن بی سابقه زمین و ظهور پدیده گرمایش جهانی، صفحات، گروه‌ها و کمپین‌های مختلفی در فیس بوک در این خصوص به وجود آمد تا با ارائه راه‌کارها و تبادل نظر بین مردم و متخصصان به حل این بحران کمک کنند. این اقدامات باعث افزایش هوشیاری جمعی، حساسیت افکار عمومی و ترغیب مردم و مسئولین برای حل این معضل شد و حتی پدیده گرم شدن زمین در سازمان ملل متحد و کمیسیون‌های مختلف اروپایی مورد بررسی قرار گرفت (کوهستانی سورچانی، ۱۳۹۷، ص. ۷۲).

خلق تصاویر نمادین و بصری: یکی دیگر از ابزارهای مورد استفاده جنبش‌های زیست محیطی، به منظور افزایش آگاهی مردم و حساس نمودن افکار عمومی نسبت به مسائل مرتبط با محیط زیست، خلق تصاویر نمادین و بصری است. از دیدگاه گلد و رویل^۲، پیشرفت‌هایی که تاکنون در حوزه محیط زیست‌گرایی صورت گرفته، عمدتاً مدیون تصویرسازی است تا اضطرار و ضرورت جنبش جدید زیست محیطی (Gold & Revill, 2004, p. 1).

طرفداران خلق تصاویر نمادین بر این باورند که آنها در ارائه پیام خود به مردم موفق بوده‌اند و توانسته‌اند وجدان عمومی را نسبت به سوء استفاده‌هایی که از محیط زیست می‌شود، بیدار کنند. از دیدگاه آنها، نازک شدن لایه ازن زمانی به دغدغه افکار عمومی تبدیل شد که این لایه به شکل

1. NAFTA.

2. Gold and Revill.

تصویری صخره مانند بر فراز جنوبگان ترسیم شد. اقدامات افراطی شرکت‌های بزرگ جنگلداری نیز تنها زمانی به یک مسأله بین‌المللی تبدیل شد که جنبش صلح سبز و سایر گروه‌های زیست‌محیطی، عکس‌های غم‌انگیزی از قطع درختان "جزیرهٔ ونکوور"^۱ را به معرض نمایش گذاشتند و به این منطقه، لقب برزیل شمال^۲ را دادند (ساتن، ۱۳۹۷، ص. ۱۴۷).

بررسی‌های جامعه‌شناسان محیط زیست نشان داده است که بسیاری از وضعیت‌های نامطلوب محیط زیستی، تنها زمانی مورد توجه افکار عمومی قرار گرفته‌اند که آن وضعیت با سوز و گداز یا تصاویر تکان‌دهنده‌ای همراه شده‌اند. با این رویکرد، حتی تصاویری که در بیلبوردها، بسته‌بندی مواد غذایی، مستندهای حیات وحش و کارت پستال‌ها از طبیعت ارائه می‌شوند، و همچنین تصاویر به ظاهر اتفاقی از محیط زیست در میان گزارش‌های خبری تلویزیون نیز می‌توانند عملکرد آگاه‌سازی نسبت به محیط زیست در افکار عمومی داشته باشد (Gold & Revill, 2004, pp. 3-4).

یکی دیگر از روش‌های مؤثر برای جلب توجه افکار عمومی نسبت به مسائل زیست‌محیطی، استفاده از زبان محرک و تصویرپردازی بصری است. نازک شدن بیش از حد لایهٔ ازن زمانی به مسألهٔ زیست‌محیطی تبدیل شد که بیل شانتس^۳ ترانه‌ای به نام سوراخ در ازن^۴ ساخت. همچنین، زمانی اثرات بارانهای اسیدی مورد توجه قرار گرفت که طرفداران محیط زیست آلمان استفاده از اصطلاح والد اشتترین^۵ (جنگل رو به مرگ) را شروع کردند. همچنین لارنس^۶ و همکارانش در سال ۲۰۰۵ برای نشان دادن وضعیت بحرانی محیط زیست، استعاره‌های نظامی را وارد حوزهٔ محیط زیست نمودند؛ استعاره‌هایی مانند (حمله کردن، تخریب کردن، محو کردن، بازداشتن، تهاجم بر ضد و جنگ تمام عیار). تمام این مباحث نشان می‌دهند که از دیدگاه جامعه‌شناسان محیط زیست، زبان بصری قدرت ویژه‌ای در زمینهٔ تحریک افکار عمومی و حساس کردن آنها نسبت به مسائل زیست‌محیطی دارد (هانینگن، ۱۳۹۳، ص. ۱۴۸-۱۴۹). رسانه‌های نوین ارتباطی در ایجاد انسجام درونی جسم بین رهبران و اعضاء جنبش، در ایجاد ائتلاف بین جنبش‌ها و کنشگران اجتماعی برخوردار از برخی اصول و اهداف مشترک، و در نهایت در گسترش اعتراض‌ها در محیط مجازی و اینترنتی و محیط عینی و واقعی جوامع تأثیر گذار بوده‌اند و همچنین، به عمومی و جهانی کردن اعتراض‌های محلی و ملی کمک قابل توجهی کرده‌اند (سردارنیا، ۱۳۸۸، ص. ۱۷۵).

1. Vancouver.

2. Brazil of the North.

3. Bill Shontz.

4. Hole in the Ozone.

5. Waldsterben.

6. Larson.

۵- چرایی جنبش‌های زیست محیطی نوظهور به مثابه جنبش‌های نوین اجتماعی

یکی از مهمترین و ویژگی جنبش‌های نوین اجتماعی مربوط به ماهیت سیاسی آنهاست. از دیدگاه "لاک"^۱، جنبش‌های نوین اجتماعی به دلیل سازماندهی ضعیفی که دارند توانایی تبدیل شدن به یک مخالف قوی در برابر دولت را ندارند. ماهیت سیاسی و عملکرد جنبش‌های نوین اجتماعی عبارت است از گسترش جامعه مدنی، تقویت نهادهای بوروکراتیک و قوانین موجود، تقویت مطالباتی که با منافع قدرت‌های موجود جوامع پیشرفته صنعتی منافاتی ندارند، بر این اساس جنبش‌های نوین اجتماعی عمدتاً محافظه‌کار و در صدد محافظت و تقویت لیبرال دموکراسی هستند (میرکواسمی، ۱۳۸۸، ص. ۲۱۴-۲۲۰).

در اوایل دهه ۱۹۸۰، نوع متفاوتی از جنبش‌های نوین اجتماعی در قالب جنبش‌های زیست محیطی نوپدید به وجود آمدند که مهمترین و اصلی‌ترین ویژگی آنها، ورود مستقیم به عرصه سیاست و قدرت بود. این جنبش‌ها در ابتدا در قالب گروه‌های ذی‌نفوذ طرفدار محیط زیست تلاش کردند تا از طریق لابی‌گری و تماس با نمایندگان احزاب مختلف، ائتلاف با سایر گروه‌ها و حضور در مراکز خط‌مشی‌گذاری دیدگاه‌ها و خواسته‌ها و دغدغه‌هایشان را در مورد مسائل محیط زیست در پارلمان مطرح کنند (هریسون & بوید، ۱۳۹۲، ص. ۳۸۶).

با ورود مستقیم گروه‌های طرفدار محیط زیست به عرصه سیاست، نوع جدیدی از سیاست به نام "سیاست سبز"^۲ به وجود آمده است. در این سیاست، رابطه طبیعت-جامعه دغدغه اصلی طرفداران آن است. این سیاست دارای ایدئولوژی جدیدی بوده و به شکل‌گیری احزاب سبز منجر شده است. سیاست سبز، برخورد جامعه و حکومت با طبیعت را از بعد سیاسی مورد توجه قرار می‌دهد. در واقع، هدف سیاست سبز، دخالت دادن شرایط محیط زیست طبیعی به کل حوزه‌های تصمیم‌گیری سیاسی است. سیاست سبز چهار رکن دارد: اولین رکن آن، "زیست بوم"^۳؛ دومین رکن آن، "عدالت اجتماعی"^۴؛ سومین رکن آن، "دموکراسی ازپایین"^۵؛ و چهارمین رکن آن، "عدم خشونت"^۶ است (وال، ۱۳۹۴، ص. ۱۲-۱۳). ارکان سیاست سبز از دیدگاه "پوریت"^۷ عبارتند از: محترم شمردن زمین و همه موجوداتش؛ تمایل به تقسیم ثروت دنیا میان تمامی مردمانش؛ به رسمیت شمردن

1. Luke.

2. Green Politics.

3. Biome.

4. Social Justice.

5. Grassroots Democracy.

6. Nonviolence.

7. Porritt.

حقوق نسل آینده در استفاده از منابع؛ صیانت از محیط زیست به عنوان پیش نیاز یک جامعه سالم و اعمال یک استراتژی غیر هسته‌ای و کم مصرف در زمینه انرژی، بر مبنای صرفه‌جویی، کارایی بالاتر و تجدید پذیری منابع. (Porritt, 2007, p. 27) امروزه احزاب سبز با نفوذ در لایه‌های قدرت و حضور در مجالس قانونگذاری موفق شده‌اند قوانینی را در جهت تحدید فعالیت‌های صنعتی آلوده کننده و سلاح‌های هسته‌ای به تصویب برسانند (کوهستانی سورچانی، ۱۳۹۷، ص. ۶۶).

با ظهور تهدیدات و مشکلاتی در خصوص محیط زیست جهانی، حل این مسأله به هدفی عمده در منافع سیاسی و عمومی تبدیل شده است. در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مفهوم "محیط زیست جهانی" شکل گرفت. از آنجا که مسائل جهانی زیست محیطی با اقدامات یکجانبه دولت‌ها بر طرف نمی‌شود، دولت‌ها مجبور هستند تا بخشی از حاکمیت خود را به بازیگران فراملی واگذار کنند، در نتیجه زمینه برای حضور و نقش آفرینی بازیگران غیر حکومتی مانند سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی فراملی، در سیاست جهانی محیط زیست فراهم شد (حیدری‌فر، ۱۳۹۱، ص. ۱۶۳). در عصر جهانی شدن، حفاظت از محیط زیست، متکی بر بازیگران نوظهوری است که نقش و اختیار مطلق و انحصاری دولت‌ها را به عنوان تنها بازیگران اصلی در عرصه بین‌المللی، مورد تردید قرار دادند. ابعاد گسترده تخریب محیط زیست در عصر جهانی شدن، نه تنها دولت‌ها بلکه افراد و سایر اعضای جامعه جهانی را نگران و حساس نموده است. بنابراین، حضور و افزایش نقش نهادهای مردمی، سازمان‌های مردم نهاد زیست محیطی و اشخاص خصوصی در حفظ و حمایت از محیط زیست به مسأله‌ای پذیرفته شده در عرصه بین‌الملل به ویژه در بین کشورهای توسعه یافته تبدیل شده است (غازی & ملایی، ۱۳۹۵، ص. ۱۳۲-۱۳۳).

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، جنبش زیست محیطی نوظهور، به عنوان یک جنبش نوین اجتماعی که در پاسخ به نگرانی‌های ناشی از تخریب محیط زیست به وجود آمده، مورد بررسی قرار گرفت. مهمترین هدف این جنبش‌ها، حفاظت و حمایت از محیط زیست است. از اینرو طرفداران این جنبش‌ها با برجسته کردن مسائل و معضلات زیست محیطی، تلاش می‌کنند تا بحران محیط زیست را به عنوان یک خطر و تهدید جدی در جوامع بشری معرفی کنند و از این طریق افکار عمومی را نسبت به این مسائل حساس نمایند. بدین منظور، جنبش‌های زیست محیطی در ابتدا از طریق آموزش زیست محیطی و رسانه‌های جمعی تلاش می‌کنند تا ضمن اطلاع رسانی به مردم، افکار عمومی را

نسبت به محیط زیست حساس نمایند و سپس با ایجاد سازمان‌های گوناگون زیست محیطی تلاش می‌کنند افکار عمومی را در جهت حمایت و حفاظت از محیط زیست، بسیج و هدایت کنند. به دلیل اهمیت مسائل زیست محیطی، جنبش‌های زیست محیطی نوظهور از شیوه‌های متعدد و متنوع‌تری مانند نافرمانی مدنی، اقدامات سمبلیک و نمادین و خرابکاری در مبارزات زیست محیطی خود استفاده می‌کنند. آنها همچنین در دهه‌های اخیر به استفاده از ابزارهای نوینی مانند بکارگیری اینترنت و یا خلق تصاویر نمادین و بصری نیز روی آورده‌اند. این جنبش‌ها بر مسالمت‌آمیز بودن و دوری از خشونت در جریان فعالیت و اقدامات خود تأکید به عمل می‌آورند؛ اما چنانچه در جریان مبارزات آنها، دولت‌ها از شیوه‌های قهرآمیز استفاده کنند، امکان رادیکال شدن جنبش‌ها نیز وجود دارد. در واقع، جنبش‌های زیست محیطی نوظهور، که در اواخر دهه ۶۰ میلادی به وجود آمدند، راهی طولانی را برای فراگیر شدن پیموده‌اند. این جنبش‌ها در اواسط دهه ۷۰ رویارویی مستقیم با سیاست‌های آسیب رساننده به محیط زیست را آغاز نمودند همچنین در این دوران جنبش‌های زیست محیطی نوپدید به طور مستقیم وارد عرصه سیاست شدند آنها در ابتدا تلاش کردند از طریق نفوذ و تأثیرگذاری بر ساختارهای سیاسی به اهداف زیست محیطی خود دست یابند. اما عدم توجه به خواسته‌های آنها توسط سیاستمداران باعث شد که این گروه‌ها به طور مستقیم و در قالب احزاب سیاسی برای اهداف خود وارد عرصه رقابت و قدرت سیاسی شوند. این موضوع باعث تعامل دو جانبه میان دولت و جنبش‌های زیست محیطی نوظهور گردید به گونه‌ای که جنبش‌های زیست محیطی نوظهور و دولت وارد روابط قدرت با یکدیگر شدند و هر کدام از دو طرف رابطه قدرت تلاش کردند تا با استفاده از ابزارها و شیوه‌های مورد استفاده خود بر دیگری تأثیر بگذارند در این میان جهانی شدن و کاهش قدرت دولت‌ها باعث گسترش حوزه فعالیت جنبش‌ها به ورای مرزها شد این موضوع باعث انسجام و قدرت بیشتر جنبش‌های زیست محیطی نوظهور و تأثیرگذاری آنها بر سیاستمداران و دولت‌مردان شده است به گونه‌ای که دولت‌مردان را وادار به پذیرش معاهدات بین‌المللی در زمینه حفاظت از محیط زیست نموده است.

بدین ترتیب، جنبش‌های زیست محیطی نوظهور توانسته‌اند هم از لحاظ اجتماعی و شیوه‌های تأثیرگذاری بر افکار عمومی و ترغیب آنها برای حضور در عرصه اجتماع و هم در شیوه‌های اعتراض و ابزارهای اقدام و در نهایت از لحاظ سیاسی و حضور مستقیم در عرصه قدرت و سیاست و ایجاد احزاب سبز و به وجود آوردن سیاست سبز توانسته‌اند جنبش‌های نوین اجتماعی را بازپروری و غنی سازی نمایند و از آنجا که دولت‌ها به تنهایی نمی‌توانند با مسائل و معضلات زیست محیطی در بعد داخلی و جهانی روبرو شوند، این موضوع باعث می‌شود که در آینده جنبش‌های زیست محیطی به

عنوان یک نیروی اجتماعی تأثیرگذار در عرصه قدرت و سیاست مورد توجه جامعه شناسی سیاسی قرار گیرند و جامعه شناسان سیاسی به مطالعه و بررسی تعامل میان دولت و جنبش‌های زیست محیطی به عنوان یک نیروی اجتماعی جدید در عرصه قدرت و سیاست پردازند.

منابع و مأخذ

۱. انصاری، ش. (۱۳۹۲). زنان و محیط زیست: از اسطوره‌های دیروز تا گام‌های امروز تشکل‌های مردم نهاد، فعالان مستقل، وب سایت‌ها و وبلاگ‌ها، همایش‌ها. پژوهش‌نامه زنان، ۲۳-۳۵.
۲. ایران نیوز. (۱۳۹۹، ۱۳۲). تلووز، مرکز شنبه اعتراضی جلیقه‌زدها. بازیابی از ایران نیوز: <https://www.irna.ir/news>
۳. باتامور، ت. (۱۳۶۶). جامعه‌شناسی سیاسی. م. ص. کاشانی. در تهران: کیهان.
۴. براون، ل. (۱۳۸۱). اقتصاد زیست محیطی. ح. طراوتی. در تهران: هوای تازه.
۵. پورسعید، ف. (1392). سیاست اجتماعی پایدار In م. کاویانی راد، مجموعه مقالات اکولوژی سیاسی (pp. 63-88). تهران: پژوهشکده مطالعات رهبردی.
۶. تورن، آ. (۱۳۸۰). نقد مدرنیته. م. مردیها. در تهران: گام نو.
۷. تیلی، ج. (۱۳۸۹). جنبش‌های اجتماعی ۲۰۰۴-۱۷۶۸. ع. م. زاد. در تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
۸. حیدری‌فر، م. (۱۳۹۱). مخاطرات انسانی تهدیدات امنیتی ناشی از تقابل انسان و محیط. پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۱۵۷-۱۷۶.
۹. دابسون، ا. (1377). فلسفه و اندیشه سیاسی سبزه‌ها In م. ثلاثی. تهران: آگاه.
۱۰. دابسون، ا. (۱۳۸۸). اندیشه اجتماعی و سیاسی سبز. م. ثلاثی. در تهران: جامعه شناسان.
۱۱. دبیری، ف. & واحد ناوان، ع. (۱۳۹۰). رسانه‌ها و توسعه حقوق محیط زیست. مطالعات رسانه‌ای، ۱۶۵-۱۸۲.
۱۲. دلاپورتا، د. & دینانی، م. (۱۳۸۴). مقدمه‌ای بر جنبش‌های اجتماعی. م. ت. دلفروز. در تهران: کویر.
۱۳. رهبری، م. (۱۳۹۳). جنبش‌های اجتماعی (کلاسیک، مدرن، پست مدرن). تهران: کویر.
۱۴. ساتن، ف. (۱۳۹۷). در آمدی بر جامعه شناسی محیط زیست. ص. صالحی. در تهران: انتشارات سمت.
۱۵. سردارنیا، خ. (۱۳۸۸). اینترنت، جنبش‌های اجتماعی جدید و بسیج اعتراض‌ها (بررسی نظری و مصداقی چند جنبش اجتماعی). پژوهش‌های ارتباطی، ۱۵۱-۱۷۶.
۱۶. عزیزخانی، ا. (1390). بررسی تطبیقی نظریه جنبش‌های اجتماعی جدید با انقلاب اسلامی ایران. علوم سیاسی، 153-178.
۱۷. غازی، ا. & ملایی، ا. (۱۳۹۵). ناپایداری زیست محیطی در خاورمیانه و چالش‌های سیاستگذاری مدیریتی و فرهنگی: مطالعه مقایسه ایران، ترکیه و عربستان. علوم سیاسی، ۱۲۱-۱۴۴.

۱۸. فیتز پاتریک، ت. (۱۳۸۱). نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟. ه. همایون پور. در تهران: مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی و گام نو.
۱۹. کهیل، م. (1393). محیط زیست و سیاست اجتماعی In ح. حاتمی نژاد & م. امیریان. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۰. کوهستانی سورچانی، س. (۱۳۹۷). شبکه‌های اجتماعی و جنبش‌های زیست محیطی (مطالعه‌ای در صفحات مجازی فارسی). تهران: صالحیان.
۲۱. گاندی، م. (۱۳۹۴). همه مردم برادرند. م. تفضلی. در تهران: امیرکبیر.
۲۲. گرچی فرد، ح. (1395). جرم‌شناسی سبز. تهران: میزان.
۲۳. لارنا، & دیگران. (۱۳۸۷). جنبش‌های نوین اجتماعی. س. م. صبحدل. در تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
۲۴. لوکور، ک. (۲۰۱۹). گرایش به رادیکالیزه شدن مبارزین محیط زیست. لوموند دیپلماتیک.
۲۵. مک لین، ا. (1395). فرهنگ علوم سیاسی آکسفورد In ح. احمدی. تهران: میزان.
۲۶. منتظر قائم، م.، & عرفانی حسین پور، ر. (۱۳۹۵). رسانه و محیط زیست؛ مقدمه‌ای بر ارتباطات زیست محیطی. رسانه و فرهنگ، ۱۴۵-۱۷۰.
۲۷. میرکواسمی، ا. (۱۳۸۸). ماهیت سیاسی جنبش‌های جدید اجتماعی. علوم اجتماعی، ۱۹۷-۲۲۷.
۲۸. نش، ک. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی سیاسی معاصر: جهانی شدن، سیاست و قدرت. م. ت. دلفروز. در تهران: کویر.
۲۹. هانیگن، ج. (۱۳۹۳). جامعه‌شناسی محیط زیست. ص. صالحی. در تهران: انتشارات سمت.
۳۰. هریسون، ک. & بوید، ت. (1392). فهم اندیشه‌ها و جنبش‌های سیاسی In ع. رهبر، ج. کمار علیا، & م. سیدین‌زاده. تهران: رویه.
۳۱. وال، د. (۱۳۹۴). راهنمای مختصر سیاست سبز. <http://zaminian.org>.
۳۲. ون روی، آ. (۱۳۸۶). بازی مشروعیت جهانی: جامعه مدنی، جهانی شدن و اعتراض. ا. شاقاسمی. در تهران: مرکز ملی مطالعات جهانی شدن.
۳۳. وینسنت، ا. (۱۳۷۸). ایدئولوژی‌های مدرن سیاسی. م. ثاقب فر. در تهران: شمشاد.
34. Carson, R. (2008). *Silent Spring*. Boston: Mariner Books.
35. Chalecki, E. L., & Chalecki, P. (1999). A Framework of Ordered Climate Effects on Water Resources: A Comprehensive Bibliography. *Journal of the American Water Resources Association*, 1657-1665.
36. Cox, R. (2007). Nature's Crisis Disciplines: Does Environmental Communication Have Anethical Duty? *Environmental Communication*, 5-20.
37. Dalmedico, A., & Buffet, C. (2009). Environmental NGOs in the Raising Debate of Climate Change. *Social Movements and Public Action*, 11-44.
38. Denardo, J. (1985). *Power in Numbers: The Political Strategy of Protest and Rebellion*. Princeton: Princeton University.
39. Dhondt, N. (2003). *Integration of Environmental Protection into other EC Policies—Legal Theory and Practice*. Europe Law Publishing.

40. Donatella , D., & Diani, M. (1999). *Social movements: an introduction*. Oxford: Blackwell.
41. Epstein, B. (1991). *Political Protest and Cultural Revolution: Nonviolent Direct Action in the 1970s and 1980s*. California: University of California.
42. Foreman, D., & Haywood, B. (1989). *Ecodefense: A Field Guide to Monkeywrenching*. Tucson: Ned Ludd Books.
43. Gold, J. R., & Revill, G. (2004). *Representing The Environment*. London: Routledge.
44. Goldstein, S. (2018). Climate Changr First Became NeWS 30 Year Ago, Why Heven't We Fixed It? <https://kjzz.org/content/673688/why-havent-we-fixed-climate-change-30-years-later>, 2021/8/22.
45. Gonzalez, C. G. (2006). Monocultures, and Malnutrition: Agricultural Trade Policy Through an Environmental Justice Lens. *Michigan State Journal of International Law*, 345-382.
46. Immerwahr, J. (1999). *Waiting for a Signal: Public Attitudes Toward Global Warming, the Environment and Geophysical Research*. American Geophysical Union.
47. Jordan, J. (2009). *Reclaim the Streets*. In I. Ness, *The International Encyclopedia of Revolution and Protest: 1500 to the Present*. Oxford: Wiley-Blackwell.
48. Klein, N. (2000). *No Logo*. New York: Picador.
49. Kriesi, H., Koopmans, R., & Giugni, M. G. (1995). *New Social Movements in Western Europe: A Comparative Analysis*. Minnesota: University of Minnesota Press.
50. Oberschall, A. (1980). Loosely Structured Collective Conflict: a Theory and an Application, *Research in Social Movements. Conflict and Change*, 45-54.
51. Porritt, J. (2007). *Capitalism as if the World Matters*. London.
52. Randall, A. (2008). *Deep Ecology: Living as if Nature Mattered*, Salt Lake City, *Eco-warriors: Understanding the Radical Environmental Movement*. In: *Encyclopedia of Social Problems*, 178-186.
53. Rochon, T. R. (1988). *Between Society and State: Mobilizing for Peace in Western Europe*. Princeton: Princeton University Press.
54. Tilly, C. (1986). *The Contentious French: Four Centuries of Popular Struggle*. Cambridge: Cambridge.
55. Wapner, P. (2008). *Politics Beyond the State: Environmental Activism and World Civic Politics*. *World Politics*, 311-340.
56. Zelko, F. (2004). *Make It A Green Peace, The History of An International Environmental Organization*. *German Historical Institute Bulletin*, 127-135